



سرمایه گذاری در آینده ایجاد فرصت برای جوانان روستایی

Investing in the future Creating opportunities for young rural people (Paul Bennell)

ترجمه:

دکتر محمود جمعه پور

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، mahjom43@gmail.com

حسین کفاش بجنستانی*

دانشجوی دکتری برنامه ریزی روستایی

بجنستان، استان خراسان رضوی، hosainkaffash@gmail.com

نصرت رحیمی بجنستانی

کارشناس مدیریت بازرگانی

بجنستان، استان خراسان رضوی، hosainkaffash@gmail.com

مقدمه

این مقاله به بررسی وضعیت جوانان روستایی در کشورهای در حال توسعه می پردازد و گزینه هایی برای بهبود معیشت شان جهت مواجهه با بسیاری از چالش های رو به تزاید که با آنها روبرو هستند، ارائه می دهد. تمرکز اصلی جغرافیایی مقاله، کشورهای جنوب صحرای آفریقا، شرق نزدیک و شمال آفریقا است.

جوانان روستایی در کشورهای در حال توسعه، یک گروه بسیار بزرگ و آسیب پذیر را تشکیل می دهد، که به طور جدی تحت تاثیر بحران اقتصادی بین المللی کنونی می باشند. در سطح جهانی، سه چهارم از فقرا و حدود نیمی از جمعیت جوان، در مناطق روستایی، زندگی می کنند. انتظار می رود که تغییرات آب و هوایی و بحران روبه رشد مواد غذایی، اثر نامطلوب زیادی بر جوانان روستایی داشته باشد. سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد (FAO) تخمین می زند که نزدیک به نیم میلیارد جوانان روستایی، شانس تحقق توانایی های خود را ندارند. سازمان بین المللی کار (ILO) در گزارشی جهانی، روند اشتغال برای جوانان می گوید: "روزه، جوانان نشان دهنده یک گروهی هستند که با آسیب پذیری های جدی در جهان کار می کنند. در سال های اخیر، کاهش رشد اشتغال در سطح جهانی و نیز افزایش بیکاری، اشتغال کاذب و سرخوردگی جوانان سخت ترین ضربه محسوب می گردد. در نتیجه، امروزه "جوانان با کسری رو به رشد فرصت های شغلی مناسب و معقول و نیز سطوح بالایی از عدم اطمینان اقتصادی و اجتماعی روبرو هستند. (ILO, 2005: p.1) عدم اشتغال مناسب و معقول از یک طرف و گسترش بیکاری مسئله عمده ی اکثر نقاط روستایی است. به طور کلی بسیاری از جوانان درآمد کمتر از ۲ دلار در روز دارند که عملاً بیکار می باشند. در کشورهایی که در حال جنگ هستند (و حتی بعد از جنگ)، این جوانان اند که در معرض خطر می باشند. بیکاری بالای جوانان همراه با گسترش شهرنشینی، بیشتر کشورهای در حال توسعه را درگیر جنگهای داخلی کرده است. کشاورزی خرده مالک و تولیدات غیرکشاورزی به طور گسترده ای در نواحی روستایی، جزء بخش های امیدوارکننده، برای اشتغال جوانان در اکثر کشورهای در حال توسعه می باشند. با این حال، کنترل این پتانسیل، چالشی بزرگ باقی مانده است. در حالی که بحران "بیکاری جوانان (به ویژه در مناطق شهری) نگرانی مداوم سیاستمداران و سیاست گذاران از سال ۱۹۶۰ بوده است، اما همیشه پیشرفت جوانان در استراتژی های توسعه ملی بیشتر کشورها، مسئله ای فرعی و حاشیه ای

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری برنامه ریزی روستایی، مرکز دکتری دانشگاه پیام نور تهران



باقی مانده است. با این حال، ما اکنون شاهد یک تجدید حیات در علاقه به جوانان هستیم، دلایلی بنیادی از تحقق رو به رشد، سیاست منفی جدی حکایت دارد، پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود دارد که ناشی از عدم تزلزل در معیشت و انان است. برای بسیاری، این فراتر از یک "بحران جوانان است بحرانی که حل آن نیاز به نوآوری، سیاست های گسترده "جوانان پسند" و استراتژی های اجرایی دارد.

در "اهداف توسعه هزاره (MDG) سازمان ملل متحد، جوانان مجرد به عنوان یک گروه هدف کلیدی مورد نظر می باشند. هدف ۱۶ از اهداف توسعه هزاره، به منظور توسعه و پیاده سازی استراتژی برای کار مولد و مطلوب برای جوانان آمده است. گزارش سال ۲۰۰۷ توسعه جهانی منتشر شده توسط بانک جهانی نیز بر جوانان متمرکز شده است.

1.3 میلیارد از جمعیت جهان جوانان ۱۲-۲۴ ساله می باشند. پیش بینی می شود در سال ۲۰۳۵ جمعیت جوان به بیش از ۱.۵ میلیارد افزایش یابد که این مقدار در جنوب صحرای آفریقا و جنوب شرقی آسیا سریعتر خواهد بود (با ۲۶ درصد و ۲۰ درصد به ترتیب بین سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۳۵). بر اساس تخمین های فائو، ۵۵ درصد از جوانان در مناطق روستایی ساکنند، ولی این مقدار در جنوب صحرای آفریقا و جنوب شرقی آسیا بیش از ۷۰ درصد است. در جنوب صحرای آفریقا، جوانان ۲۴-۱۵ ساله، ۳۶ درصد از کل نیروی کار را تشکیل می دهند، این مقدار در شرق نزدیک و شمال آفریقا ۳۳ درصد و در جنوب آسیا ۲۹ درصد هستند.

حدود ۸۵ درصد از ۵۰۰ میلیون نفر جوان که در طول ۱۰ سال آینده به سن کار برسند در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. رکود اقتصاد جهانی افزایش یافته است که این مسئله باعث رشد جمعیت جوانان روستایی به دلیل بسیاری از جمله؛ بازگشت مهاجران جوان مناطق شهری به خانه های روستایی خود و نیز دلسردی جوانان دیگر از مهاجرت به مناطق شهری، شده است. در سطح جهانی احتمالاً، جوانان نزدیک به سه برابر بیشتر از بزرگسالان بیکار باشند. (ILO, 2010) با این حال بروز بیکاری جوانان، به طور قابل توجهی از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است. بالاترین آن در منطقه شرق نزدیک و شمال افریقا است که نزدیک به یک چهارم همه جوانان، بیکار هستند. پایین ترین آن در شرق آسیا و جنوب آسیا با نرخ ۹ درصد و ۱۰.۷ درصد می باشد. بیکاری جوانان در کشورهای جنوب صحرای آفریقا ۱۲۶ درصد در سال ۲۰۰۹ بوده است. (ضعف نرخ بیکاری جوانان شهری و روستایی به دلیل در دسترس نبودن آنهاست) به عنوان مثال ۲۰ درصد در کنیا، بخصوص نرخ بالای بیکاری جوانان، به شدت، با نرخ بالای بی زمینی مرتبط است.

نرخ بیکاری جوانان براساس مناطق مختلف جهان

ناحیه	۱۹۹۹	۲۰۰۹
اقتصادهای توسعه یافته و اتحادیه اروپا	۱۳.۹	۱۷.۷
مرکز و شرق اروپا و کشورهای مشترک المنافع	۲۲.۷	۲۱.۵
شرق آسیا	۹.۲	۹.۰
جنوب شرق آسیا	۱۳.۱	۱۵.۳
جنوب آسیا	۹.۸	۱۰.۷
آمریکای لاتین و کارائیب	۱۵.۶	۱۶.۶
خاورمیانه	۲۰.۵	۲۲.۳
شمال آفریقا	۲۷.۳	۲۴.۷
جنوب صحرای آفریقا	۱۲.۶	۱۲.۶

Source: ILO, Global Employment Trends, 2010

الف) جوانان روستایی چه کسانی هستند؟

سن و موقعیت مکانی دو ویژگی کلیدی از تعریف جوانان روستایی است. در تعریف سن جوان تفاوت های قابل ملاحظه وجود دارد. سازمان ملل متحد، جوان را تمام افرادی که بین ۱۵ و ۲۴ سال سن دارند، تعریف می کند. در سال ۲۰۰۷ گزارش توسعه جهانی، که متمرکز بر «نسل آینده» بود جوان را شامل افرادی که بین ۱۲ و ۱۴ سال سن دارند تعریف می کند. تفاوت



های مشابهی با توجه به مناطق مختلف وجود دارد. تمایز بین شهری و روستایی به مقدار زیادی دشوار است، بخصوص با گسترش مناطق «نیمه شهری» که در آن تعداد زیادی از جمعیت به فعالیت های کشاورزی برای تامین نیازهای معیشتی خود متکی هستند. به طور سنتی، مباحث مربوط به جوانان بر این فرضیه استوار است که جوانی یک دوره انتقالی (گذر) از دوران کودکی به بزرگسالی است و به این ترتیب دارای ویژگی های خاص است که آنها را یک گروه فردی و اجتماعی متمایز می کند. این انتقال چند وجهی است که شامل بلوغ جنسی و خودمختاری اجتماعی و استقلال اقتصادی از والدین و سرپرستان دیگر می باشد. ماهیت انتقال از کودکی به بزرگسالی در طول زمان تغییر کرده است و به طور قابل توجهی از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است. کودکان روستایی در کشورهای در حال توسعه، رسیدن به بزرگسالی به سرعت صورت می گیرد، چراکه انتقال از مدرسه به محیط کار معمولاً در سنین پایین رخ می دهد و در یک فاصله کوتاه از زمان نیز به پایان می رسد. این وضعیت برای زنان روستایی فقیر با توجه به ازدواج و بچه دار شدن سریع، یکسان است. عدم جایگزین؛ دلیل عمده است برای تعداد بسیار زیاد ازدواج و باروری در میان دختران نوجوان روستایی است. استراتژی بقای روستایی، خواهان آن است که جوانان به طور کامل به رفع نیازهای معیشتی خانواده خود از سنین پایین کمک کنند. در نتیجه جوانی به عنوان یک مرحله انتقالی سخت، برای اکثریت بزرگی از جوانان روستایی محسوب می شود. بسیاری از کودکان ۵ تا ۱۴ ساله نیز کار می کنند. (مثال، در ۸۰ درصد روستاهای اتیوپی)

یکی دیگر از ویژگی های مربوط به جوانان روستایی این است که آنها تمایل به عدم استقلال اقتصادی و یا مستقل بودن دارند. خانوار روستایی یک سرمایه گذاری مشترک است و تقسیم جنسیتی کار به گونه ای است که کنترل فرد از روند تولید، عملاً برای زنان بسیاری از کشورها غیرممکن است. با توجه به اینکه نسبت زیادی از جوانان روستایی عضو تابع از خانواده بزرگ هستند، آنها تا حد زیادی به والدین شان برای نیازهای معیشتی خود هستند. همانطوری که جوان رشد و پیرتر می شود، اسقلال او بیشتر می شود، علاوه بر این، در بسیاری از جمعیت های فقیرتر و سنتی در کشورهای کم درآمد، دختران در مدت کوتاهی بعد از شروع قاعدگی یا ترک مدرسه، ازدواج می کنند.

جوانان روستایی بسیار ناهمگون هستند. در تعریف بانک جهانی جوانان، پسر ۱۲ ساله قبل از بلوغ و حضور در مدرسه ابتدایی در یک منطقه دورافتاده روستایی تا مادر تنهای ۲۴ ساله در خیابان های روستاهای بزرگ را شامل می شود. از آنجا که تباذهای معیشتی اینها کاملاً با هم متفاوت است بسته ی سیاستگذاری متفاوتی را می طلبند. این مسئله برای گروه های دیگر نیز مانند معلولان، رزمندگان سابق و یتیمان یکسان است. انفضال واضحی بین جوانان مدرسه ای و آنهايي که مدرسه را تمام کرده اند وجود دارد. از دلایل عمده ای که چرا برنامه ریزان جوان حمایت بسیار کمی از دولت ها، سازمان های غیردولتی و سازمان های کمک کننده را جلب کرده اند این است که جوانان پس از مدرسه به جمعیت بزرگسالان می پیوندند. فرض بر این است که این گروه مشکلی برای برخورداری از حمایت های محدودی که در اختیار بزرگسالان است ندارند. و حتی هیچ یک از نیازهای اجتماعی و اقتصادی که به سن شان مربوط است ندارند... نتیجه گیری منطقی از این بحث می توان گرفت این است که با توجه به ارتباط محدود جوان به عنوان یک مرحله انتقالی متمایز و طولانی در بیشتر نواحی روستایی، همراه با ناهمگونی جوانان روستایی، جوانان ممکن است کارایی محدودی به عنوان یک طبقه اجتماعی داشته باشند، لذا در طرح های توسعه روستایی، باید این مسائل ملاک عمل قرار گیرد.

قطعا بجز چند مورد استثنا (مانند آفریقای جنوبی) جوانی به عنوان یک گروه هدف در اولویت ساسیت های اکثر دولت ها در کشورهای در حال توسعه کم درآمد قرار ندارند. به طور کلی وزارت جوانان از نظر منابع بسیار ضعیف می باشد و معمولاً با وظایف دیگر دولت همچون فرهنگ، ورزش و آموزش و پرورش ترکیب شده است. با در نظر گرفتن استراتژی کاهش فقر ملی، در اکثر اسناد راهبرد کاهش فقر (PRSPs) جوانان خیلی کم مورد توجه قرار گرفته اند. ارزیابی کمیسیون اقتصادی آفریقا در سال ۲۰۰۵ بر روی (PRSPs) این نتیجه را داشت که: «جوانان هنوز نادیده گرفته می شوند». به ویژه در فصلهایی از اسناد راهبرد کاهش فقر (PRSPs) به ندرت ذکری از جوانان شده است. علاوه بر این فصل استاندارد تنها بر مسائل جنسیت، محیط زیست و آج آی وی/ایدز متمرکز است. در تنها دو تا از ۱۲ اسناد راهبرد کاهش فقر، برای کشورهای آفریقای که مورد بررسی



قرار گرفتند جوانی به عنوان یک گروه خاص در جریان اشتغال مطرح و حتی در موارد استثنایی، جوانی شهری نسبت به جوانان روستایی نگرانی بیشتری داشتند. حتی گزارش های جاری توسعه جهانی جوانان، تنها به چهار پاراگراف اختصاص دارد که بر روی گسترش فرصت های روستایی برای جوانان و به طور عمده بر فعالیت های غیرکشاورزی متمرکز شده است. تعداد نسبتاً کمی از پروژه های IFAD به طور خاص جوانان را مورد هدف قرار داده است. این پروژه ها به طور عمده در منطقه NENA، که در آن سطح بیکاری در میان جوانان روستایی بالاست، متمرکز شده است. با این حال در حال حاضر توجه قابل ملاحظه ای به برنامه ریزی برای جوانان، با تمرکز ویژه بر ترویج اشتغال جوانان از طریق مزرعه و توسعه سرمایه گذاری در بخش های غیرکشاورزی داده شده است. در گذشته IFAD اعتبار و بودجه محدودی برای جوانان در فعالیت های کشاورزی، بخصوص آموزش مهارت ها هزینه کرده است. ولی امروزه IFAD به طور فزاینده ای در حال تبدیل به علاقمندی برای ارائه آموزش های هدفمند برای کشاورزی جوانان می باشد.

ب) مشخصات کلیدی معیشت جوانان روستایی

اکثر جوانان روستایی یا شاغلند (خوداشتغال) و یا جزء نیروی کار محسوب می شوند. (کارگری می کنند) بنابراین مسئله زیاد در مورد بیکاری نیست بلکه اشتغال با بهره وری پایین جدی است، چراکه اغلب فعالیت ها متکی بر خانواده است. سازمان بین المللی کار تخمین می زند که حدود ۳۰۰ میلیون جوان (یک چهارم از کل) در شرایطی کمتر از ۲ دلار زندگی می کنند. اکثر جوانان شهری که از شرایط بهتر تحصیل و رسیدن به شغل دائمی برخوردارند، بیکارند. لذا بهتر است بر بهبود معیشت محروم ترین جوانان به جای کسانی که بیکار هستند تمرکز شود. دسترسی به داراییهای مولد کلیدی، به ویژه زمین، یک مسئله حیاتی برای جوانان است.

استدلال می شود (اگرچه شواهد قوی وجود ندارد) که جوانان روستایی به روزافزونی به کشاورزی خرده پا بی علاقه اند و تمایل دارند در جستجوی اشتغال سراسر کشور و مرزهای بین المللی طی کنند. این مهاجرت های دسته جمعی جوانان از مناطق روستایی، منجر به پیری قابل توجه جمعیت روستایی در برخی کشورها شده است. در برخی از استان ها در کشور چین، به عنوان مثال، متوسط سن کشاورزان ۴۵-۵۰ سال است. تحقیقات اخیر نشان می دهد که مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری در مقیاس بزرگ ادامه خواهد یافت، و این یک بخش مهم از راهبرد مقابله با تامین معاش افراد فقیر روستایی است. مهاجرت موقت و نیز سفرهای شهری (روزانه) بخشی عادی از راهبرد تامین معاش روستا از شهرها می باشد که طیف گسترده ای از کشورهای در حال توسعه را در بر گرفته است. (Deshingkar, 2004) در بخش های زیادی از کشورهای آسیایی و آفریقایی، وجوه ارسالی توسط مهاجرین شهری به مناطق روستایی در حال پیشی گرفتن بر درآمد حاصل از کشاورزی است. مهم است که جوانان نواحی روستایی برای زندگی مولد و درآمدزا در هر دوی محیط های شهری و روستایی از آمادگی لازم برخوردارند. لذا سیاستگذاران باید به نوبه خود در دیدگاه منفی خود به مهاجرت تجدیدنظر کنند و ابعاد مطلوب اجتماعی و اقتصادی مهاجرت را به نمایش بگذارند. (کادر را ببینید)

جوان روستایی در مقایسه با جوانان شهری، تمایل کمی به تحصیل دارد. میزان گرایش شهری در تدارک و تامین اعتبار دولتی آموزش و پرورش و خدمات تحصیلی، در بیشتر کشورهای در حال توسعه با درآمد پایین زیاد است. (see Bennell, 1999) بکارگیری معلمان و دیگر کارگران مهم مناطق روستایی، چیزی کمتر از یک بحران در بسیاری از کشورها، نبود. آموزش و پرورش با کیفیت ضعیف، هزینه های بالا برای تحصیل (مستقیم و غیرمستقیم)، و کمبود شغل خوب در صورت ادامه تحصیل، موجب کاهش تقاضا برای آموزش و پرورش در میان والدین فقیر گردید.

جوانان روستایی به شدت در جنگهای داخلی درگیر بوده اند، اشکال دیگری از نزاع در تعدادی از کشورهای وجود دارد، که تهدیدی عمده در چشم انداز توسعه بلندمدت این کشورها به شمار می آید. امنیت شبکه های سنتی در حال شکسته شدن است و انتظارات و توقعات جوانان برای زندگی بهتر به خصوص با دسترسی به فن آوری اطلاعات در سطح جهانی، در حال افزایش است. جوانان روستایی با مشکلات بزرگ بهداشتی مواجه هستند، همچون سوء تغذیه، مالاریا و ایدز. با این حال مهم



است. برای حفظ سلامتی، تهدید به وسیله ایدز، در چشم اندازه‌های مناسب مطرح بشود. به جز تعداد انگشت شماری از کشورهای با شیوع بالا، شیوع ایدز در میان نوجوانان روستایی بسیار پایین است. در خیلی از کشورهای بزرگ در جنوب صحرای آفریقا مانند اتیوپی، نیجریه، جمهوری دموکراتیک کنگو و همه آسیا و جنوب آمریکا، شیوع عفونت HIV در میان نوجوانان روستایی کمتر از یک درصد است. تاثیر اصلی بیماری همه گیر (اپیدمی) ایدز بر معیشت جوانان روستایی، رشد سریع تعداد کودکان و نوجوانانی است که والدین شان بر اثر بیماری های مربوط به ایدز مرده اند، می باشد.

همانند جمعیت روستایی که یک مجموعه اند، جوانان روستایی در طیف متنوعی از فعالیت های تولیدی، یعنی هم کشاورزی و هم غیرکشاورزی مشغول هستند. آمار محدود است اما نسبت جوانان روستایی درگیر در راه اندازی و خوداشتغالی در هر دو این مناطق اصلی، فعالیت متفاوت قابل توجهی در سرتاسر کشور وجود دارد.

عدم دسترسی به زیرساخت های اساسی در مناطق روستایی، یک موضوع مهم است. در اکثر کشورهای SSA، کمتر از ۱۰ درصد از خانوارهای روستایی به برق و کمتر از نیمی از آنها به آب آشامیدنی با فاصله ۱۵ دقیقه از خانه های خود، دسترسی دارند. تاثیر، به ویژه، بر جوانان، شدید می تواند باشد. به عنوان مثال دختران و زنان جوان معمولا مسئول جمع آوری آب هستند، و کمبود برق، به طور جدی، آموزش و دیگر فرصت های ایجاد اشتغال را محدود می کند.

ج) تقاضای کار آینده در مناطق روستایی

در طول دهه های آینده، بحث های جدی و عدم اطمینان نسبت به نقش ها و سهم های بخش کشاورزی و غیر کشاورزی در فرایند توسعه وجود خواهد داشت. لذا پیش بینی دقیق از میزان تقاضا برای نیروی کار آینده مناطق روستایی غیرممکن است. ماهیت و واقعیات روستا در کشورهای زیادی به سرعت در حال تغییر است. کشاورزی به طور روزافزونی پیچیده و تجاری شده و سهم بیشتری از درآمدهای روستاها از اقتصاد غیرکشاورزی استحصال می شود. بسیاری از مردم فقیر روستایی کشاورزان پاره وقت و یا بی زمین می باشند.

به طور گسترده ای مشخص شده است که تنوع سازی روستا رکن اصلی تحول کشاورزی موفق در آینده خواهد بود. جایی که تنوع بخشی روستایی از لحاظ اقتصادی عملی نیست، انتقال فعالیت های اقتصادی از مناطق روستایی به مناطق شهری جایگزین خواهد شد. صرف نظر از نتیجه، جوانان روستایی در خط مقدم این روند تغییر قرار خواهند داشت.

فعالیت های غیرکشاورزی روستایی، یک سهم بزرگ و روبه رشد از اشتغال و کسب درآمد محسوس می شوند، به ویژه در بین فقرا و زنانی که فاقد دارایی های مهم مانند زمین هستند. بخش «غیرکشاورزی» (RNF) به نظر می رسد همچون نردبانی از مشغولیت در تولیدات کم بازده خرده مالکی به اشتغال با دستمزد منظم در اقتصاد محلی و از آنجا به مشاغل در بخش رسمی، عمل نماید. اهداف اصلی برنامه برای بخش RNF شناسایی موتورهای اصلی رشد، تمرکز بر زنجیره های حمایتی و ایجاد ائتلاف سازمانی انعطاف پذیر متشکل از سازمان های دولتی و خصوصی است. (Haggblade et al 2002)

به طور سنتی، برنامه ریزان نیروی انسانی، فرض کرده اند که تقاضا برای نیروی کار در یک بخش خاص همچون کشاورزی خرده مالکی افزایش یافته است، بسته به میزان پیش بینی رشد تولید و انعطاف پذیری اشتغال و با توجه خروجی آن بخش می باشد. با این حال در کشورهای بدون نظام حقوق بیکاری، این فرضیات عموما صدق نمی کند. ۳ نتیجه افزایش تقاضا برای نیروی کار در اثر افزایش کیفیت به جای کمیت اشتغال انعکاس یافته است: حرکت کارگران از مشاغل بدون دستمزد به سوی شغل های بادستمزد، حرکت از کارهای سخت تر به سمت کارهای برتر، و غیره. کشاورزی معیشتی و بخش های غیررسمی «اسفنج هایی» (محل هایی برای جذب) برای نیروی کار مازاد هستند. تجزیه و تحلیل برنامه ریزی نیروی انسانی سنتی، یک تضاد غلط بین افزایش بهره وری و افزایش اشتغال را تبیین می کند. این باعث می شود برنامه ریزان اشتغال در باره تهدید ناشی از شغل ها که سریعتر از رشد بهره وری است، سخن بگویند. افزایش بهره وری در مرکز اصلی هر استراتژی افزایش کیفیت اشتغال است. (Godfrey, 2005 and 2006)



رشد اشتغال بادستمزد بخش تولیدی، منبع پویایی است در بازارکار. زمانی که اشتغال دستمزدی به شکل خوداشتغالی در مناطق شهری و روستایی افزایش یابد، با رقابت کمتر برای دارایی ها و مشتریان روبرو هستند واز افزایش تقاضا برای محصولات خود لذت می برند. مناطقی که به تازگی در افزایش تقاضا برای نیروی کار و کاهش فقر موفق تر بوده اند، آنجا سهم حقوق بگیران بخش دستمزد تولیدی در کل اشتغال افزایش یافته است. مگر در مواردی که تقاضا برای نیروی کار در حال گسترش است، آن بسیار دشوار است که برنامه ها برای افزایش *integrability* جوانان محروم، طراحی و اجرایی بشود. افزایش تقاضای کار وابسته به بخش های ارتقاء رشد در اقتصاد روستایی در راستای مزیت نسبی بالقوه است (که در بسیاری از کشورها مبتنی بر منابع طبیعی است) که به وسیله چارچوبی از سیاست های کلان اقتصادی مناسب حمایت شده است.

(د) بهبود معیشت جوانان در مناطق روستایی

تفاوت آشکاری بین سیاست های اجتماعی و اقتصادی که به طور خاص جوانان را هدف قرار نداده اند اما با این وجود به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نفع جوانان بوده اند، از یک سو، سیاست هایی که جوانان را به عنوان یک کل یا گروهی که ویژه هستند، مورد هدف برنامه های خود قرار داده اند و از سوی دیگر، باید ایجاد شده باشد. اینجاست که ادعا شده که پیشرفت جوانان در حاشیه برنامه های توسعه اکثر کشورها قرار گرفته است. هنوز، با توجه به اینکه جوانان بخش بزرگی از نیروی کار روستایی را تشکیل می دهند، بسیار از پروژه ها و برنامه های توسعه در مناطق روستایی، تا حد زیادی معیشت جوانان را ترویج می کنند. جوانان مشتری اصلی آموزش و پرورش و برنامه های آموزشی و نیز فعالیت های سلامت و پیشگیری بهداشتی هستند. با این حال ارزیابی های مشارکتی اغلب نشان می دهد که جوامع روستایی، فعالیت های متمرکز بر جوانان بیشتر تمایل دارد. در گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۷ (WDR) در باره جوانان آمده است که: راهبردهای مربوط به جوانان اغلب با شکست مواجه می شود. راهبردهای جوانان در کشورهای در حال توسعه، مکررا مورد انتقاد بوده است و به سمت غیر فقر به زندگی مردان در نواحی شهری، گرایش داشته است. با توجه به کمبود خدمات حمایتی برای جوانان در بسیاری از کشورها، آنها تمایل به سمت جوانان غیر فقیر دارند. به عنوان مثال، تحصیلات متوسطه...

فهرست موجودی بانک جهانی در سال ۲۰۰۷، از انجام مداخلات برای حمایت از کارگران جوان مبتنی بر ۲۸۹ پروژه مستند و مداخلات دیگر در ۸۴ کشور است. با این حال، تنها ۱۳ درصد از پروژه ها در SSA و NENA و کمتر از ۱۰ درصد از مداخلات منحصرا مناطق روستایی را هدف قرار دادند. دو یافته قابل توجه دیگر، غلبه مهارت های مداخلات آموزشی و محدودیت زیاد شواهد قوی در دسترس نتایج و تأثیرات پروژه هاست.

تصور غلط رایج در سیاست گذاری جوانان، این است که دختران و پسران یک گروه همگن هستند. بنابراین تمرکز بی چون چرای بر جوانان می تواند، منحرف کند توجه به دورتر از دستورکار جنسیتی جوانان زن و مرد، موجب تضاد منافع می شود. دختران نوجوان روستایی، تقریبا در حوزه داخلی بسیاری از کشورها به دام افتاده اند. از آنجا که پسران زمان بیشتری را در فعالیت های تولیدی که کسب درآمد دارد صرف می کنند، بیشتر از (دختران) به چشم می آیند و به احتمال زیاد، بیشتر حمایت می شوند. مسائل مربوط به بهداشت باروری، به طور فزاینده ای سیاستگذاری غالب جوانان در طی دهه گذشته بوده است. تا سال ۱۹۹۰ میلادی، موضوع اصلی دولت ها و حامیان جوانان، کاهش نرخ باروری جوانان بوده است (از دواج و بعد خانوار کوچکتر). از آن پس، تمرکز (حداقل در SSA) بر کاهش خطر ابتلا به عفونت ایدز در میان جوانان منتقل شده است.

در سطح کلی تر، سیاستگذاری اشتغال جوانان باید در افزایش تقاضا برای نیروی کار در رابطه با عرضه، متمرکز شوند. و افزایش، (*integrability*) از جوانان محروم به طوری که آنها بتوانند از مزایای بازار کار و فرصت های اقتصادی، هنگامی که بوجود می آیند استفاده نمایند. سه جنبه اصلی از یکپارچه سازی جوانان وجود دارد که عبارتند از: جبران و یا مقابله با سقوط بازار (نیروی کار، اعتبار، محل، سیستم آموزش)، بهینه سازی مقررات بازار کار و بهبود مهارت های جوانان محروم.



یک لیست نسبتاً استاندارد از مداخلات سیاستگذاری برای بهبود معیشت جوانان روستایی وجود دارد که در مباحث سیاستگذاری و نیز در اسناد سیاستگذاری و ادبیات دانشگاهی برشمرده شده است. «برنامه جهانی اقدام برای جوانان» سازمان ملل متحد، که در اصل در سال ۱۹۹۵ اعلام شده بود، زمینه‌های فعالیتی به شرح ذیل است: آموزش و پرورش، اشتغال، گرسنگی و فقر، بهداشت، محیط زیست، مصرف مواد مخدر، بزهکاری نوجوانان و اوقات فراقت. برنامه‌های بهبود معیشتی جوانان، به طور معمول متمایز و متفاوت است بین مداخلاتی که منابع و قابلیت‌ها را بهبود می‌بخشد (به ویژه آموزش و پرورش، بهداشت، مهارت‌های زندگی، آموزش و خدمات مالی/اعتباری) و آنهایی که فرصت‌های ساختاری (فعالیت‌های فردی و گروهی تولید درآمد، بهبود دسترسی به بازار و زیرساخت‌ها و خدمات دیگر) حفاظت و ارتقاء حقوق و نهادهای جوانان را توسعه می‌دهند.

همچنین افزایش سطح آگاهی از ارتباط درونی و ارتباط میان انواع مختلف مداخلات برای جوانان وجود دارد. به طور خاص، در زمینه اپیدمی‌ای، ادعا شد که بهبود معیشت جوانان، احتمال بروز پرخطر تبادل روابط جنسی، که عمدتاً با انگیزه‌های منافع مادی است (سندرم سکس برای غذا، غذا برای سکس)، برنامه ریزی یکپارچه مناسب و مطلوب است، اما هر دو طراحی برنامه و اجرای آن پیچیده است. با توجه به رویکرد معیشت پایدار، "دارایی‌های سرمایه‌ای" جوانان روستایی را می‌توان به چهار نوع اصلی زیر دسته بندی کرد: سیاسی و اجتماعی، فیزیکی و طبیعی، انسانی و مالی. طیف گسترده‌ای از مداخلات بهبود معیشت با توجه به این نوع دارایی انجام شده است. مأموریت اصلی IFAD به طور عمده بر پایه تقویت بنیه تولیدی خانواده‌های روستایی متمرکز است، و به این ترتیب، به طور مستقیم ارتباط دارد با مداخلاتی که دارایی‌های فیزیکی، طبیعی و مالی و نیز سرمایه انسانی شغل مرتبط، از طریق آموزش مهارت‌ها، را بهبود می‌بخشد.

شواهد موجود به شدت نشان می‌دهند که رویکردهای متعدد (چند) خدماتی جامع (مانند برنامه ژوونه در جنوب آمریکا) موثرتر از مداخلات پراکنده برای تولید فرصت‌های شغلی پایدار برای جوانان است. با این حال، چنین روشهایی نسبتاً گران هستند، و همچنان کاربردشان در بسیاری از کشورهای کم درآمد، محدود است.

ه) سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جوانان

جوانان، به ویژه در مناطق روستایی، نمی‌توانند یک حوزه سازماندهی شده را با قدرت اقتصادی و اجتماعی تشکیل دهند تا لابی برای شان محسوب شود. (و از آن منتفع گردند) در نتیجه برای توانمندسازی جوانان روستایی گرفتن یک نقش فعال در کشاورزی و توسعه روستایی ضروری است. راهبردهای موثر جوانان نیز به نقش موثر آنها وابسته است. علی‌رغم تعدادشان، جوانان روستایی دارای قدرت اجتماعی و سیاسی محدودی بوده‌اند. افراد مسن، بخصوص مردان مسن تر، تمایل به تسلط بر تمام سطوح تصمیم‌گیری در جوامع روستایی دارند. در SSA، برخی از نویسندگان از آن به عنوان حکومت سالخوردگان ذکر کرده‌اند. اکنون پذیرفته شده که، جوانان می‌توانند نقش مهمی در بهبود مدیریت ملی و محلی و اجرای سیاست‌های مهم اجتماعی و اقتصادی ایفاء کنند. به ویژه جوانان باید در خط مقدم تلاش برای گسترش فرصت‌ها برای مردم روستایی باشند. گرایش به شهر با توجه به سیاست‌های بخش کلان و سطح میانی و ارتباط تخصیص منابع با این موضوع، نیازمند مقابله با مشکلات حاد مناطق شهری است. مداخلاتی که خوب طراحی شده باشد برای ساخت سرمایه اجتماعی و سیاسی جوانان روستایی مورد نیاز است. جوانان باید بسیج شوند به گونه‌ای که قادر باشند مشارکت کامل و سهم بیشتر در سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه جوانان داشته باشند. این حتی چالشی برای جوانانی که کمتر از ۱۸ سال سن دارند نیز می‌تواند باشد تا بچه‌ها نیز مورد توجه قرار گیرند.

روش‌های جدید از طرز کار جوانان در مناطق روستایی بسیاری از کشورها وجود دارد که جوانان در آن پیشگام هستند. سازمان‌ها و شبکه‌های جوانان روستایی باید ایجاد و تقویت شوند. پیشرفت‌های هیجان‌انگیزی در این زمینه وجود دارد. به عنوان مثال تامین اعتبار برنامه استعداد‌های جوانان روستایی در آمریکای جنوبی، بر یک استراتژی جدید مبتنی است که به دنبال نظام مندی و اشاعه تجارب و درس‌هایی است که از برنامه ریزی جوانان روستایی آموخته است. سازمان بین‌المللی کار،



حمایت کرده جوانان را با بنیاد(صندوق مالی) جوانان در کشورهای ساحل عاج، گینه، لیبیا، سیرالئون و سه کشور شرق آفریقا(اوگاندا، تانزانیا و کنیا) نشان می دهد که چگونه سازمان های جوان-رهبر به طور موثر می توانند شرکت های کشاورزی و غیر کشاورزی را در روستاها ترویج کنند. The Mercy Corps Youth Transformation Framework رویکرد مشابهی را در ۴۰ کشور که محیط زیست آسیب پذیری دارند به تصویب رسانده است. انجمن برنامه عملی (Community Action Plans) در کشور اردن با موفقیت به صورت پایلوت شامل: نقشه فرصت های تامین معاش جوانان با بیشترین پتانسیل و پرورش تفکر کارآفرینی با تمرکز قوی بر آموزش مهارت های زندگی بوده است. ارائه خدمات مالی برای جوانان روستایی در سیرالئون طرح ابتکاری دیگریست که پیشرو بوده است.(کادر را ببینید)

(و) آموزش و پرورش سرمایه بنیادی بشر

نزدیک به ۱۴۰ میلیون جوان در کشورهای در حال توسعه به عنوان بی سواد طبقه بندی شده اند. به طور کلی آماده سازی جوانان روستایی برای کار و فعالیت ضعیف می باشد.(ببینید Atchoarena and Gasperini, 2009) با توجه به گزارش توسعه جهانی در سال ۲۰۰۷، شرایط در حال تغییر به این معنی است که به نیازهای سرمایه انسانی جوانان، نیاز به توجه بیشتری دارد. این خدمات عبارتند از: خطرات بهداشتی جدید، تغییر ماهیت سیاست و رشد جامعه مدنی، جهانی شدن و تکنولوژی های جدید، گسترش دسترسی به آموزش و پرورش عمومی و افزایش تقاضا برای کارکنان آموزش عالی. ارتباط مستقیم بین آموزش و پرورش وجود ندارد. با این حال بهترین راه برای بهبود چشم انداز آینده اشتغال و تامین معاش، جوانان محروم مناطق شهری و روستایی، این است که اطمینان حاصل شود که آنها تا زمانی که حداقل سواد خواندن و شمردن را نیاموخته اند در مدرسه بمانند. توسعه آموزش و پرورش دختران بارزترین اهرم در تغییر وضعیت زنان جوان است. در اکثر کشورهای در حال توسعه کم درآمد، جوانان روستایی هنوز این شایستگی عمومی بدست نیاورده اند. در اتیوپی، برای مثال، نزدیک به سه چهارم از جوانان ۱۵-۲۴ ساله هیچ مدرسه ای نرفته اند. در SSA و جنوب آسیا بیش از یک سوم از جوانان هنوز هم در سال ۲۰۰۲ بی سواد بوده اند. برخورداری از آموزش ابتدایی در مناطق روستایی بسیاری از کشورها، به سرعت در حال بهبودی است، اما کیفیت آموزش عموماً بسیار کم و در برخی کشورها حتی کاهش هم داشته است. نگرانی های عمده ای در خصوص متناسب بودن (آموزش) مدرسه در مناطق روستایی وجود دارد. برنامه تحصیلات مورد انتقادند چراکه به اندازه لازم برای آماده سازی کودکان برای زندگی روستایی مولد کافی نیستند، و بدتر از آن آرمان جوان را به سمت نواحی شهری سوق می دهد. تماس ها برای باقی ماندن برای کسب و تحصیل حرفه در مناطق روستایی، بدلیل عرضه و تقاضا در بیشتر کشورها شکست خورده است. دولت ها و دیگر ارائه دهندگان، باید در ارائه آموزش عمومی با کیفیت معقول تمرکز کنند. فشار فعلی به مدت هشت سال از آموزش و پرورش بنیادی جهانی در بسیاری از کشورها، بدان معنی است که بیشتر کودکان نخواهند توانست تحصیل خود را تا زمانی که ۱۶-۱۵ ساله شوند تکمیل کنند.

با توجه به مشکلات فراگیر تحصیل روستایی در نرخ بالای افت تحصیلی، پشتیبانی از برنامه های آموزش غیررسمی، به طور قابل توجهی در طول دهه گذشته افزایش یافته است. به عنوان مثال، مدارس فرصت دوم مراکش که هدف قرارداده اند، ۲.۲ میلیون کودک بین ۸ و ۱۶ ساله را که هرگز در مدرسه حضور نداشته اند، یا دوره ۱۱ ساله ابتدایی را به پایان نبرده اند. بیش از سه چهارم این گروه در مناطق روستایی زندگی می کنند و حدود ۴۵ درصد آنها دختر هستند. مدل کمیته پیشرفت روستایی بنگلادش از آموزش غیررسمی، در حال حاضر در تعدادی از کشورها از جمله در چند کشور جنوب صحرای آفریقا، همانندسازی و الگوبرداری می کند.

(ز) آموزش مهارت های سرمایه انسانی

جهان روستایی به سرعت در بسیاری از کشورها در حال تغییر است. لذا جوانان روستایی باید به مهارت های لازم مجهز شوند تا از فرصت های جدید بهره برداری کنند. اما، ارائه آموزش مهارت های پس از مدرسه با کیفیت خوب (هردوی؛ پیش از



اشتغال و مرتبط با شغل) در بسیاری از مناطق روستایی، خیلی محدود باقی مانده اند. موضوع کلیدی در بسیاری از کشورها این است که سیستم های ملی آموزش فنی و حرفه ای قادر به ارائه آموزش باکیفیت خوب و مقرون به صرفه برای تعداد زیادی از هردوی افراد درحال تحصیل و افراد شاغل به کار می باشد. بنابراین ضروری است، تمام آموزش ها مبتنی بر ارزیابی دقیق از فرصت های شغلی و نیازهای مهارتی باشد.

بسیاری از دولت ها تمایل دارند شبکه گسترده ای از موسسات آموزش روستایی را ایجاد کنند، اما منابع لازم برای این کار را ندارند. اکثر ارزیابی ها دریافته اند که هزینه موثر صورت گرفته در آموزش جوانان روستایی به طور کلی کم است. (Middleton et al, 1993 and Bennell, 1999) معمولا خدمات آموزشی پراکنده هستند و هیچ چارچوب راهبردی منسجم ندارد تا بر اساس آن یک سیستم آموزش روستایی به نفع فقرا بوجود بیاید. البته استثنای، مانند جنوب آمریکا، سازمان سراسری حمایت از آموزش و کسب و کار روستایی، (SENAR) در کشور برزیل وجود دارد.

چالش های مهم، فراهم کردن آموزش با کیفیت عالی و توسعه خدمات برای جوانان روستایی هستند، در سطوح پایین آموزشی، نتایج یادگیری ضعیف، جمعیت پراکنده، تقاضای کم تاثیر(از هردوی خوداشتغالی و کارفرمایان) حوضه ی محدودی برای تامین هزینه ها دارند. نهادهای دینی و سازمان های مردم نهاد، بسیاری از آموزش های فنی و حرفه ای را برای مدارس روستایی در تعداد زیادی از کشورها، حمایت کرده اند، اما محدودیت های بودجه موجب شده است به طور قابل توجهی ثبت نام در بسیاری از کشورها در دهه گذشته، کاهش یابد. یکی از موضوعات بسیار مهم مورد بحث در بسیاری از کشورها، انگ مربوط به آموزش و پرورش فنی و حرفه ای است. پیامدهای استخدام ضعیف، ضعف مشترک برنامه های آموزشی روستایی است. به عنوان مثال، حدود نیمی از افراد جوانی که در «آموزش جوانان روستایی برای خوداشتغالی» در سرتاسر هند، شرکت داشته اند، قادر به پیدا کردن کار شده اند. لذا برخی از طرح های آموزشی بسیار موفق بوده است. مدارس مزرعه کشاورز در شرق آفریقا و بنیاد (Fundacion Paraguaya) نمونه های قابل توجه هستند (کادر را ببینید) در اوگاندا، برنامه برای ترویج رفاه کودکان و جوانان، آموزش با کیفیت خوب فراهم شده است، به ویژه در مناطق روستایی دورافتاده و نواحی که متاثر از جنگ هستند. کلمبیا و نیکاراگوئه نیز برنامه های آموزشی روستایی موفق برای جوانان داشته اند.

ظرفیت ارائه دهندگان خدمات برای حمایت از مشتریان روستایی، به ویژه جوانان روستایی، در تمام بخش های مهم، مانند: آموزش، بهداشت، پلیس، عدالت، زیرساخت های روستایی و ترویج کشاورزی، نیاز است تا در اکثر کشورها به میزان قابل توجهی تقویت شوند، چراکه دارای پیامدهای عمده ای برای سیستم های آموزش عالی و آموزش عمومی می باشد. آموزش کشاورزی در تمام سطوح نیازمند احیاء مجدد است. (بازسازی)

فعالیت های آموزش و ظرفیت سازی درحال حاضر شامل یک جزء مهم از فعالیت های حمایتی IFAD و جذب بیش از ۳۰ درصد منابع در برخی از پروژه هاست. از آنجا که گروههای مهم هدف، اغلب بی سواد یا دارای تحصیلات رسمی کم هستند، چالش های مضاعفی جهت ارائه آموزش های موثر وجود دارد. یک مثال خوب از حمایت IFAD در این خصوص، پروژه افزایش مهارت برای استخدام در غرب نپال است، که هدف آن Dalit و دیگر جوانان بسیار محروم روستاست. این پروژه دارای یک هدف بزرگ (بلندپروازانه) است که اطمینان دارد ۷۰ درصد از تمام کارآموزان پس از شش ماه اشتغال مولد داشته باشند.

این پروژه توسط سازمان بین المللی کار، اجرا شده و مبتنی بر آموزش سازمان برای روش توانمندسازی اقتصادی است، که به صورتی قاطعانه در "رویکرد برنامه ریزی مشارکتی" و توسعه سرمایه گذاری بازارمحور، ریشه دارد. پروژه (The Prosperer) موفقیت آمیز در ماداگاسکار، یک مثال مناسب از نسل جدید پروژه های جوان گراست که توسط IFAD تامین مالی شده است. در پی بهبود درآمد؛ جوانان فقیر در سه منطقه از کشور، به وسیله فراهم کردن فرصت های درآمدزایی متنوع، و ترویج کارآفرینی در مناطق روستایی می باشد. در مجموع ۸۰۰۰ نفر جوان، در طول پنج سال آینده حمایت و پشتیبانی خواهند شد.

دسترسی به زمین و منابع طبیعی و تصرف زمین به شکل محرمانه و غیرقانونی، در بطن تمام جوامع روستایی و اقتصاد کشاورزی، محوری برای ریشه کنی فقر روستایی هستند. رشد جمعیت، کاهش حاصلخیزی خاک و افزایش تخریب محیط



زیست، بیماری همه گیر ایدز و فرصت های جدید برای کشاورزی تجاری، تشدید مطالبات و فشارها بر منابع زمین است و فشارهای جدید بر روی سیستم های تصرف زمین، اغلب به بهای فشار بر گروههای فقیر و آسیب پذیر مانند زنان و جوانان می باشد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ارث بردن، وسیله اصلی جوانان برای دستیابی به زمین می باشد. هرچند، معمولاً، پسران هستند که زمین به ارث می برند، و دختران تنها با ازدواج است که به زمین دست می یابند. تقسیم مداوم زمین به قطعات کوچک از طریق ارث، و به طور فزاینده ای جوانان، زمین خود را از دست می دهند. فوت بر اثر بیماری مسری ایدز، موجب چنگ انداختن و تصاحب زمین های زنان بیوه و کودکان یتیم، توسط نزدیکان فرد فوت شده، به ویژه در آفریقا، شده است. افزایش بی زمینی در میان جوانان، منجر به افزایش درگیری بین نسل ها بر سر زمین شده است. راه حل همیشگی عدم امنیت در تصدی زمین توسط جوانان می تواند شامل: تقویت قانون خدمات حقوقی زنان و جوانان در جهت به رسمیت شناختن و دفاع از حقوق آنها در مسائل مربوط به زمین؛ توسعه بازارهای زمین به عنوان مکانیسمی برای دسترسی به زمین؛ و شاید مهمتر از همه، شناسایی و حمایت از فعالیت های اقتصادی خارج از مزرعه که جوانان را هدف قرار داده است.

جوانان تمایل دارند در مورد کشاورزی به عنوان یک گزینه غیرقابل قبول و نامطلوب نگاه کنند، مگر اینکه بر زمین های خانوادگی کنترل داشته باشند. در کشور تانزانیا، به عنوان بخشی از طرح اقدام ملی برای اشتغال جوانان، کار فشرده توسعه زیرساخت های روستایی، به طور فعال در میان گروه های جوانان، در «کمر بند سبز» اطراف مراکز بزرگ شهری پشتیبانی و حمایت شده است. این برنامه همچنین حمایت می کند جوانان را برای داشتن زمین در مناطق اختصاصی، باهدف توسعه زیرساخت های جوانان و نیز تصویب قوانین برای حفاظت از آنها در برابر تبعیض ها در اجاره زمین می باشد.

ح) سرمایه مالی - اقتصاد خرد و توسعه سرمایه گذاری

همانطوریکه گزارش جهانی جوانان در سال ۲۰۰۵ اشاره می کند، "کارآفرینی برای همه نیست و لذا نمی توان به آن به عنوان راه حلی در مقیاس بزرگ برای بحران اشتغال جوانان به آن نگاه کرد." (p.59) با این حال، علاقه روزافزونی در تامین هدفمند - میکرو فاینانس - (micro-finance) برای جوانان وجود دارد، به این خاطر به رسمیت شناخته شده که آموزش و پرورش و آموزش کار نمی توانند به خوداشتغالی پایدار برسند. با این حال تا امروز، خدمات در این زمینه محدود باقی مانده است. پروژه های آزمایشی (پایلوت) با مشکلات متعدد مواجه بوده اند. عدم کنترل وامهایی که توسط جوانان دریافت شده، یک مسئله مهم است، مکانیسم های غربالگری ضعیف هستند، و آموزش های فشرده برای چگونگی استفاده بهتر از پول، مورد نیاز است. جوانان، بخصوص جوانان خیلی فقیر، غالباً از قرض گرفتن اکراه دارند. بسته های یکپارچه نهاده ها (اعتباری، آموزش، پشتیبانی مشاوره و دیگر امکانات) اغلب ضروری است، اما این، مطالبات بزرگی را بر سازمان ها تحمیل می کند و تعداد افراد ذینفع، کاهش قابل توجهی می یابد. پرسنل ترویج کشاورزی و توسعه سرمایه گذاری باید آموزش زیادی برای کار با جوانان دیده باشند. تجربه اخیر شورای جمعیت با طرح های اعتباری خرد، برای جوانان، اهمیت زیاد عوامل زمینه ای خاص در تعیین نتایج و اثرات برجسته شده است. به عبارت دیگر، آنچه کارها در یک محل ممکن است کاملاً در مقایسه با محل دیگر شکست مواجه بشود. (Amin, 2010) یکی از بزرگترین طرح های اعتباری جوانان در حال حاضر توسط IFAD در استان چونگ کینگ در چین تامین مالی می شود، جایی که بیش از ۱۰۰۰۰۰ کارگر مهاجر بازگشته اند با قرضه های کوچک و آموزش لازم، شروع کار انواع شرکت های کشاورزی و روستایی را فراهم نمایند.

IFAD پشتیبانی قابل توجهی برای توسعه سرمایه گذاری غیرکشاورزی فراهم می کند، اما پروژه های زیادی در این زمینه وجود ندارد (حداقل تا همین اواخر) تمرکز ویژه بر جوانان روستایی داشته است. با این وجود، جوانان از این مداخلات بهره مند شده اند. موفقیت تبدیل یک شبکه ملی بانکی روستایی در کشور بنین، یک مثال خوب است. به همین ترتیب، به عنوان بخشی از پروژه شرکتهای روستایی تامین اعتبار شده توسط IFAD در رواندا، ۶۰ درصد از ۳۵۰۰ نفر جوان که دوره شش ماهه کارآموزی را به اتمام رساندند، یا آغاز کردند شرکت خودشان را، یا ادامه دادند به عنوان کارفرمای تمام وقت در شرکتی که در آنجا کارآموزی می کرده اند. در اوگاندا، IFAD (از طریق صندوق بقاء بلژیک) مبلغ ۳ میلیون دلار اعتبار بین



سال های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ برای برنامه توسعه زنان اوگاندا، «تلاش برای نجات یتیمان» (UWESO) تهیه شده است. وام ها به ۷۰۰۰ خانوار که سرپرست خود را بر اثر بیماری ایدز از دست داده بودند، با میزان ۹۵ درصد پوشش، پرداخت گردید. علاوه بر این، ۶۵۵ یتیم به عنوان صنعتگر آموزش داده شدند. با این حال، همواره در مورد فعالیت های آموزشی، اطلاعات کافی در باره فعالیت های اشتغال بعد از آن، کارآموزان قادر خواهند بود به نتایج قطعی در مورد هزینه های اثربخش آموزش پی خواهند برد.

ط) ایجاد اشتغال عمومی

برنامه های کارهای عمومی روستا، جایگزینی برای سیستم های مزایای بیکای و یا حمایت از درآمد در کشورهای در حال توسعه است که توانایی و استطاعت چنین سیستم هایی را ندارند. اگر به درستی اجرا می شود، آنها می توانند نقش یک طرح اشتغال تضمین شده برای محرومان از تمام سنین بوده، با شناسایی گروه های خودانتخاب کارگران جوان که بیشترین نیاز را دارند، می تواند مورد استفاده قرار گیرند. با این حال نتایج مهمی در مطالعه پرسشنامه جوانان بانک جهانی هست که « برنامه کارهای عمومی کمی که جوانان را هدف قرار داده به نظر می رسد منجر به شناس اشتغال برای شرکت کنندگان، شده است.»

ی) مشارکت در ارتقای معیشت جوانان روستایی

توافق عمومی گسترده ای وجود دارد که مقیاس بندی سریع سیاست ها و برنامه های توسعه جوانان روستایی باید براساس یک رویکرد چند بخشی، و با هماهنگی و همکاری نزدیک بین سازمان های دولتی و خصوصی باشد. شبکه ها و مشارکت های جوانان باید ایجاد شده و به طور موثر در سطوح محلی، ملی و بین المللی بکار گرفته شود.

حضور و تاثیرات سازمان ها و طرح های توسعه جوانان در سطوح ملی و بین المللی به طور مداوم و به سرعت در حال گسترش در همه مناطق کشورهای در حال توسعه است. در حال حاضر تعدادی شبکه جهانی بین المللی وجود دارد که بر توسعه جوانان متمرکز است. برنامه توسعه جوانان روستایی FAO انتظار می رود نقش یک هماهنگ کننده بزرگ بازی نماید، اما کمبود منابع آنرا از انجام این کار در سال های اخیر مانع شده است. شبکه استخدام جوانان (YEN)، که مشترکا توسط سازمان ملل متحد، بانک جهانی و سازمان بین المللی کار در سال ۲۰۰۱، برای رسیدگی به مشکل بیکاری جوانان راه اندازی شد، به طور روزافزونی فعال بوده است. در حال حاضر، کشورهای پیشرو YEN ۲۱، که طرح های فعال جامع ملی برای اشتغال جوانان، را توسعه داده اند وجود دارد. شبکه ای که به طور منظم برنامه ها و سیاست های جوانان را کنترل و محک بزند مورد انتظار است. "طرح مشترک المنافع اقدام برای توانمندسازی جوانان" ابتکار عمل بین المللی مشابه دیگریست. یک شبکه بین سازمانی در توسعه جوانان، نیز اخیرا توسط سازمان ملل متحد تاسیس شد.

بنیاد بین المللی جوانان، که برجسته ترین سازمان جامعه مدنی بین المللی در این زمینه است، تلاش می کند که جامعه جهانی کسب و کار، دولت ها و سازمان های جامعه مدنی را باهم بسیج نماید. تا این تاریخ، کمک های مالی برای حدود ۳۵۰ سازمان در ۸۶ کشور فراهم کرده است. حامیان مالی شرکت های بزرگ عبارتند از: مریل لینچ، مایکروسافت، استارباکس، سامسونگ و نوکیا. بالاترین ابتکارات به نمایش درآمده مربوط به 21 Entra است که جوانان محروم در آمریکای لاتین و کارائیب را به فن آوری اطلاعات و ارتباطات و مهارت های زندگی مجهز می کند و مشارکتی جهانی برای ترقی و توسعه استخدام و اشتغال جوانان است. با این حال بیشترین برنامه های خود را به اشتغال بخش رسمی در مناطق شهری اختصاص داده است. کشورهای فقیرتر نیز اغلب تمایل دارند تحت پوشش نمایندگی ها در این فعالیت ها باشند.

تاسیس و برقراری استراتژی های فعال توسعه ملی جوانان، یک چالش عمده است. همانطوری که، گزارش توسعه جهانی بیان کرده است، «انتقال توانایی اثرگذار بر جوانان، نیازمند کار در بخش های بسیار گسترده است، هنوز کشورهای کمی دارای یک رویکرد منسجم جهت ایجاد خطوط روشنی از مسئولیت پذیری و پاسخگویی برای مسائل مربوط به جوانان هستند.» یک نیاز بلندمدت مداخلات هماهنگ وجود دارد، بخشی از یک استراتژی یکپارچه ملی گسترده برای توسعه روستایی، ایجاد و رشد



شغل است. در هر دو سطح ملی و محلی، جایی که در آنها جوانان روستایی را می توان به عنوان یک طبقه اجتماعی با اولویت بالا همراه با توسعه متمایز و نیازهای بهبود معیشتی بهتر، مشخص نمود. IFAD باید بر توسعه همکاری های استراتژیک با دیگر ارگانها که بر بهبود معیشت جوانان تمرکز دارند، و جوانان روستایی به طور خاص متمرکز شود. این امر بخصوص در مناطق هسته ای IFAD به خاطر فعالیت های لازم الاجرا و موظفی، از جمله، افزایش بهره وری کشاورزی و غیرکشاورزی و تولید اشتغال و درآمد مهم است. با این حال، IFAD نیز باید به تدوین سیاست ها و پیاده سازی آنها در مناطق مهم دیگر، مانند توسعه برنامه درسی برای دوره های کشاورزی، کمک کند.

نتیجه گیری

نیاز فوری برای تشدید تلاش های توسعه ای در جوانان روستایی، به طور فزاینده ای توسط دولت ها، سازمان های جامعه مدنی و سازمان های توسعه بین المللی شناخته شده است. این در انواع اقدامات مهیج جدید که به دنبال بهبود معیشت جوانان محروم روستایی هستند منعکس شده است. چالش برجسته و مهم این است که انرژی و خلاقیت زندگی جوانان در مناطق روستایی آزاد شود، بویژه کسانی که بیشتر در حاشیه اند و بیشتر آسیب پذیرند. جوانان روستایی و بخصوص زنان جوان، نیاز دارند قدرتمند باشند برای تبدیل شدن به عوامل نوآوری و بازیگران اجتماعی تا در پیشرفت های جدید و مدل های بادوام توسعه روستایی توانمند باشند. IFAD حمایت خود را از برنامه ریزی جوانان روستایی افزایش می دهد. به عنوان بخش از این تلاش ها، IFAD و ILO با هم همکاری می کنند تا برنامه ها و استراتژی های ترویج اشتغال مولد در میان جوانان روستایی کشورهای در حال توسعه را ارزیابی و بررسی کنند. با توجه به چالش های بزرگی که جوانان با آنها مواجهند، حمایت باید در آینده در جریان های عمده جوانان روستایی در تمام سیاست ها و برنامه های IFAD تشدید شود.

توسعه منسجم، سیاست های ملی جامع برای جوانان روستایی باید تبدیل به یک اولویت برتر برای همه دولت ها شود، اما این باید از پشتوانه تحقیقات و پژوهش های بیشتر برخوردار باشد. نقش برنامه های عملیاتی برای اشتغال جوانان باید افزایش یابد و ضروری است که آنها به طور کامل در دیگر اسناد کلیدی برنامه ریزی ملی، بخصوص PRSPs لحاظ شود. این باید به دقت با افزایش تلاش ها برای ارتقای مشارکت جوانان در تمام زمینه های سیاستگذاری لینک شود.

نهایتاً، پایگاه دانش چگونه می تواند به سرعت تقویت شود، به خصوص با توجه به نوآوری، و برنامه ها و پروژه هایی توسعه جوانان روستایی که به شدت به نفع فقر است که به شکل موفقیت آمیزی در حال توسعه است.

تشکر و قدردانی

از زحمات و راهنمایی های جناب آقای دکتر محمود جمعه پور استاد گرانقدر دانشگاههای علامه و پیام نور تهران نهایت سپاس و امتنان را دارد.